دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

آموزش و توان بخشی

کودکان معلول ذهنی



تألیف:

عباس داورمنش

روان‌شناس و کارشناس کودکان استثنایی

بسم الله الرحمن الرحیم

آموزش و توانبخشی کودکان معلول ذهنی

تألیف:

عباس داورمنش

روان‌شناس و کارشناس معلولین ذهنی

داورمنش ، عباس ، ۱۳۲۷ –
آموزش وتوانبخشی کودکان معلول ذهنی / مولف و ویراستار عباس داورمنش – تهران : دانشگاه علوم بهزیستی وتوانبخشی ،۱۳۸۲.
۲۹۲ ص: مصور ، جدول ، نمودار
ISBN: 978-964-95273-7-6 ۵۵۰۰۰ ریال
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتاب حاضر درچاپهای قبلی تحت عنوان «کودکان معلول ذهنی شناخت – آموزش – توانبخشی » منتشرشده است.
چاپ چهارم
۱ . کودکان عقب مانده – آموزش وپرورش .
۲. کودکان علیل. ۳ . عقب مانده ذهنی – – توانبخشی .
الف – سازمان بهزیستی کشور . ب . دانشگاه علوم بهزیستی وتوانبخشی . ج. عنوان . د . عنوان : کودکان معلول ذهنی : شناخت – آموزش – توانبخشی
BF ۷۲۲/ع۷د۲ ۱۵۵/۴۵۲
۱۳۸۲
کتابخانه ملی ایران ۷۵۷۷ – ۸۲ م

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

نام کتاب: آموزش و توانبخشی کودکان معلول ذهنی

تألیف: *عباس داورمنش*
ویراستار: *مؤلف*
شابک: *۹۷۸-۹۶۴-۹۵۲۷۳-۷-۶*
حروفچینی: *آرمان یوسفی*
صفحه‌آرا: *آرش فکری*
شمارگان: *۱۰۰۰ جلد*
قیمت: [redacted] *ریال*
نوبت چاپ: *ششم* *چاپ پنجم: ۱۳۸۵*
چاپ: *کاریسا*
سال انتشار: *۱۳۹۰*
ناشر: *انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی*
نشانی: *اوین، بلوار دانشجو، خیابان کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی*
تلفکس: *۲۲۱۸۰۰۸۱*

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

فصل سوم: برنامه پیشگیری از معلولیت ذهنی فرزند

برنامه پیشگیری از معلولیت ذهنی ۱۰۳

فصل چهارم: عکس العمل والدین نسبت به معلولیت ذهنی فرزند

مورد اول: خانواده پذیرنده (ناهید) ۱۲۲
مورد دوم: خانواده نپذیرنده (بهروز) ۱۲۸
مورد سوم: خانواده نپذیرنده (سوسن) ۱۳۳
والدین پذیرنده ۱۳۸
والدین نپذیرنده ۱۴۰
واکنش‌های متداول در میان والدین ۱۴۲
حل مشکلات و مسائل والدین از طریق مشاوره ۱۵۲

فصل پنجم: مشکلات معلولین ذهنی

چرا بعضی از کودکان معلول ذهنی نا آرام هستند؟ ۱۶۱
علت کنشی ۱۶۲
علت ارگانیکی ۱۶۴
صرع ۱۶۵
فرار ۱۷۱
ترس ۱۷۵
انزوا و گوشه‌گیری ۱۷۹
فحاشی و بد زبانی ۱۸۳
مشکلات جنسی ۱۸۷
بزهکاری ۱۹۱

فصل ششم: نحوه ارائه خدمات به معلولین ذهنی
مقدمه ۱۹۹

فصل هفتم: توانبخشی ۲۲۹

فصل هشتم: آموزش و پرورش
آموزش کودکان پناهگاهی ۲۳۷
آموزش تربیت پذیران ۲۴۹
آموزش گروه آموزش پذیر ۲۶۲
پرورش ۲۷۳
کاردستی ۲۷۳
موسیقی ۲۷۵
ورزش ۲۷۹
فهرست منابع فارسی ۲۸۷
فهرست منابع انگلیسی ۲۸۸

مقدمه چاپ ششم

خداوند سبحان را سپاسگزارم که به من توفیق داد تا خدمتگذاری هر چند بسیار ناچیز در راستای آموزگاری برای مردم مسلمان و مهربان میهن خود باشم. مکتوب حاضر در ابتدای تألیف با هدف آموزش به خانواده‌های اینگونه فرزندان (کم‌توانان ذهنی) به رشته تحریر درآمده بود. خوشبختانه بعد از مدتی مورد استقبال دانشگاهیان و متخصصین نیز واقع گردید و همواره مورد توجه اساتید محترم صاحبنظر بوده، گویا بعد از پایان یافتن چاپ پنجم باز متقاضی داشته، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی به منظور رفع و پاسخگویی به این نیاز جامعه علمی جهت تجدید چاپ اعلام آمادگی نمودند. هر چند کتب بسیار ذیقیمتی در این زمینه در بازار کتاب ایران موجود است. مهذا امید دارم در فرصت آتی نسبت به انتشار ویراست جدید کتاب اقدام نمایم.

اینجا لازم می‌دانم از الطاف بی‌شائبه سرکار علیه خانم دکتر نخعی ریاست محترم دانشگاه و جناب آقای دکتر سیدنور مدیر محترم انتشارات دانشگاه و کلیه کسانی که خاضعانه در تجدید چاپ این کتاب با من همراه بودند سپاسگزاری نمایم.

خداوند یکتا همه ما را به انجام امور خیر و عام‌المنفعه توفیق مستدام دهد.

عباس داورمنش

روان‌شناس و کارشناس امور افراد معلول ذهنی

شهریور ۱۳۹۰

مقدمه چاپ پنجم

در نظام آفرینش، یکی از جنبه‌های حیرت انگیز و زیبا، خلقت انسان است وشاید شگفت آورترین جنبه‌ی آن، تنوع و تکثری است که در ماهیت فرد فرد این موجودات زیبا به چشم می‌خورد. در هیچ دو انسانی شباهت تام نمی‌توان یافت و هر انسانی ماهیتی متفاوت از بقیه دارد.باید که در چاره جویی مشکلات انسانها بجز توجه به موجودیت کلی به فردیت ماهوی یک یک آنها توجه خاص نشان داد و راه‌گشای مشکلات هر فرد به گونه‌ای فردی بود.

شباهت‌های نسبی اکثریت توده‌های انسانی، زمینه‌های کل‌نگری به آنها را فراهم می‌آورد و هنجارهای انسانی را شکل می‌دهد. اما آیا این هنجارها که نمادی از وجه اشتراک اکثریت است را می‌توان همه شمول دانست؟

اینجاست که وقتی چشم به راه فرزندی انسانی هستیم نگاه ما آنچنان مسحور فردی منطبق با هنجار اکثریت است که چنانچه انسان تازه تولد یافته ما وضعی متفاوت با آنها داشته باشد از خود بی خود گردیده واخرده می‌شویم و این احساس موجب محرومیت انسان تازه مولد است که نیازمند امکاناتی منطبق با شرایط خود می‌باشد.

باید توجه داشت که مرحله اول زندگی هر انسانی، مرحله‌ی شدن (کودکی) است. انسانهایی که دارای شباهت‌های کلی هستند، همه چیز در روند شدن ایشان فراهم است، عشق مادری، عنایت پدری، مهد کودک، مدرسه و..... اما برای انسانی با خصوصیاتی متفاوت‌تر چه؟ نه مهر و نه عنایتی و نه چندان

امکاناتی و آن وقت انتظار شدن هم می‌رود، واین واقعیتی است که جامعه انسانی باید بپذیرد که مشکل کم توانی، عقب افتادگی و معلولیت ذهنی فرزند اگر نه همه، اما بخش قابل توجهی از آن به دلیل استقبال سرد مستقبلین وعدم آمادگی در پذیرش این مسافر جدید انسانی است. باید اگر داعیه انسان دوستی داریم، همه نوع انسان را دوست بداریم، نه فقط زیباترها و توان مندترهای آنان را.

افرادی که دچار کم توانی (معلولیت) ذهنی می‌شوند، از این تفاوت، بسیار لطمه می‌بینند. لطمه به دلیل مهیا نبودن امکانات و به دلیل عدم آمادگی مستقبلین. وگرنه طیف وسیعی از آن‌ها چنانچه در وضعیتی مناسب و در خور قرار گیرند، چنانچه نیازمندیهای پرورشی، آموزشی و توانبخشی در دسترس، مناسب و به موقع داشته باشند قادر به استفاده از مواهب زیست مشابه اکثریت بهنجار جامعه خواهند بود. اینجاست که تشخیص زود هنگام مشکلات آنها و حمایت از خانواده آنان از ارکان موفقیت در بهبود وضعیت آنان محسوب می‌گردد.

حاصل سی سال افتخار خدمت به این عزیزان به من آموخت که هرجا که خانواده با نگاهی درست و با دیدی منطقی مستقبل حضور این گونه عزیز خود بوده و به پرورش وی همچون فرزندی معمولی گام برداشته، از کودکی کم توان، جوانی بالنسبه استوار و توانمند به جامعه عرضه نموده و هرجا که خانواده با از خودبی خودشدگی عنان اختیار به احساس سپرده، جز یاس و ناامیدی، افسردگی، از هم گسستگی کیان خانواده و به قهقرا رفتن فرد کم توان(معلول) ذهنی حاصل نجسته.

پس چنانچه قرار است اقدامی صورت پذیرد باید از همان ابتدا و از درون و بطن خانواده باشد.

کم توانی (معلولیت) ذهنی پدیده‌ای نیست که با چشم دوختن خوش‌بینانه به اقدامات پیشگیری بتوان هدم آن دل خوش داشت. عوامل ناشناخته در مقایسه با عوامل شناخته شده در بروز آن به مراتب بیشتر است و هر روز نیز بیشتر می‌شود و لذا هر روز باید علی رغم رعایت تمامی زمینه‌های پیشگیرانه شاهد ابتلای گروهی از فرزندان به این پدیده باشیم .به این جهات باید جامعه با بسیجی عمومی مستقبل حضور این گونه افراد و مهیای پذیرش آنان در بعد تخصصی پزشکی، روان شناسی و اجتماعی باشد.

کتاب حاضر در دهه شصت به تالیف رسید. قصدم تهیه مجموعه‌ای ساده و در عین حال جامع، حاصل خوانده‌ها و تجربه‌ها برای خانواده‌ها بود. اول بخش‌هایی از آن به گونه جزوه و با تیراژ پنجاه و صد نسخه تهیه و ارائه شد. بعد به گونه مجموعه بصورت کتاب به طبع رسید و خدا را شکر نه تنها مورد استفاده خانواده که مورد استقبال دانشجویان نیز قرار گرفت، به گونه‌ای که سه بار در شمارگان کثیر تجدید چاپ شده است. با به پایان رسیدن آخرین مجلدات چاپ سوم معلوم شد متقاضی و مخاطب دارد. درخواست چاپ مجدد آن را این بار از «دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی» که به حق از کانون‌های علمی مدافع رفاه اجتماعی و امور مربوط به توانبخشی عزیزان معلول است تقاضا نمودم، عنایت نموده پذیرفتند. اینجا لازم می‌دانم در درجه اول از شخص جناب آقای «دکتر محمدتقی جغتایی» ریاست محترم دانشگاه که همواره حامی و مشوق من در راه خدمت به عزیزان کم توان (معلول) ذهنی بودند مراتب سپاسگذاری بی شائبه خود را ابراز نمایم. هم چنین از جناب آقای «دکتر کاکویی» معاون محترم پژوهش وجناب آقای «باقریان» مسئول محترم انتشارات دانشگاه، سر کار خانم کریمی و جناب آقای نوروز در انجام سایر مراحل چاپ مجدد مراتب امتنان خود را ابراز نمایم.

کلام آخر اینکه ارزیابی وضعیت ذهنی و تشخیص کم توانی در ابتدای راه نباید صرفا به معنای برچسبی برای تمام عمر و سرنوشت ساز تمام زندگی آتی باشد. امروزه تحقیقات و تجربیات مبین این واقعیت هستند که بجز اندکی از این تعداد که به شدت آسیب دیده‌اند، چنانچه این گونه افراد از همان اوان کودکی در فضای زیستی مناسب در معرض پرورش صحیح بوده و امکان دستیابی آسان به امکانات توانبخشی داشته باشند به پیشرفت شگفت انگیز و غیر قابل باوری نایل خواهند شد. آنچه مهم است اینکه کودک کم توان چه میداند و چه نمیداند اما قادر است بداند.کاری کنیم تدریجا از میزان نا دانسته‌ها کاسته و به میزان دانسته‌ها و توانایی‌هایش افزوده گردد. در این صورت است که پاس داشتن نظام خلقت و حفظ شان نظام آفرینش میسر می‌گردد.

عباس داورمنش

عضو هیئت علمی

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

مقدمه

درصد چشمگیری از کودکان، بر اثر عواملی گوناگون (چون عوامل ارثی، عوامل دوره بارداری مادر، اشکالات موقع تولد و یا بروز بیماریها و حوادث اولین سالهای طفولیت) دچار نقیصه‌هایی از نظر ذهنی و جسمی می‌گردند که این نقیصه یا معلولیت، گاه بعلت فقدان راه‌حل درمانی مناسب، در تمام سنین وتا آخر عمر اینگونه کودکان، با آنان همراه می‌باشد.

علی رغم برنامه‌های گستردهای در امر پیشگیری از معلولیت، در سطوح گوناگون در جوامع مختلف اجرا می‌گردد، متاسفانه گویی هیچگاه منتظر ریشه کن شدن بروز این گونه نقیصه‌ها در ابناء بشر بود، و یا حداقل اینکه تاکنون قدمی اساسی در این راه برداشته نشده.به همین جهت به منظور کاهش مشکلات در رابطه با بروز نقیصه‌های جسمی و ذهنی، معمولا در هر جامعه به دو اقدام اساسی می‌پردازند. قدم اول، سعی و کوشش هرچه بیشتر در امر پیشگیری از معلولیت و جلوگیری از بروز نقایص ذهنی و جسمی، و قدم دوم، ایجاد امکانات لازم رفاهی و توانبخشی در خدمت معلولان و خانواده آنهاست.

در طی اقدامات پیشگیری، برنامه بدین روال است که معمولاً تعدادی از متخصصین، در پی کشف علت معلولیتها بوده، پس از کشف آنان با در اختیار گذاردن راه حلها و رهنمودهای لازم از طریق کتب، مقالات مندرج در مطبوعات، برنامه‌های رادیوتلویزیونی و غیره به جامعه و سازمانهای ذیصلاح، سعی می‌کنند درصد بروز اینگونه عوارض را تا حد امکان کاهش دهند.

اقدام اساسی دوم، ایجاد امکانات رفاهی و توانبخشی مناسب در اقصی نقاط کشور جهت ارائه خدمت به کودکان معلول و خانواده آنهاست، تا کلیه معلولین و نیازمندان به امر توانبخشی بتوانند با برخورداری از شرایط مساوی امکانات، تا حد ممکن از بند معلولیت رسته، به خودکفایی و زندگی مستقل نائل آیند.

هدف از تهیه و تدوین کتب حاضر، جمع‌آوری و ارئه یکسری اطلاعات کلی در مورد معلولیت ذهنی و همچنین نحوه ارائه خدمت، اعم از زمینه‌های رفاهی، آموزشی و توانبخشی به آنها در قالب یک مجلد است تا با قرار دادن آن در اختیار خانواده‌ها، مسئولین و دست‌اندرکاران واحدهای آموزشی و توانبخشی، چه در تهران و چه در سایر استانها، قدمی در جهت شناساندن هر چه بیشتر معلولیت ذهنی و نحوه ارائه خدمات آموزشی و توانبخشی به آنان برداشته شود.

موضوعات موجود در کتاب حاضر به نحوی تهیه گردیده است که در عین دادن اطلاعات متعارف، از حداکثر سادگی و روانی در متن برخوردار باشد. البته باید اذعان داشت که بسیاری از مطالب ارائه شده، بسیار کلی و فاقد موشکافی و توضیحات جزء به جزء بیشتر است. ولی تذکر این نکته نیز شایسته است که توضیح جزء به جزء ودقیق تمام مطالب مندرجه، قطر این کتاب را چند ده برابر نموده، این امکان متصور است که از حوصله خواننده خارج باشد.

ضمنا، فرض بر این گذارده می‌شود که مطالعه این کتاب، سرآغازی باشد برای سئوال بر انگیزی خوانندگان آن تا برای کسب اطلاعات بیشتر، به کتب موجود در این زمینه مراجعه نمایند.

امید می‌رود مکتوب حاضر قدمی هرچند ناچیز در جهت شناخت هرچه بهتر این نوباوگان بی گناه و نحوه سرویس دهی به آنان باشد.

فصل اول
شناخت کلی

تاریخچه عقب ماندگی ذهنی

در مورد تاریخچه عقب ماندگی ذهنی باید گفت این پدیده قدمتی همپای تاریخ بشر دارد. چه، از همان آغاز پیدایش انسان، عوارضی از قبیل اشکالات ژنتیک، اختلالات دوره جنینی، اشکالات زایمان، بیماریهای بدو تولد و غیره، چنین معلولیتی را ایجاد می‌کردند.

درباره تاریخچه طرز تفکر افراد عادی نسبت به عقب ماندگان ذهنی نیز شواهد علمی زیادی در دسترس نیست. چیزیکه تا حدی مشخص است اینکه این چنین افراد در گذشته کمتر مورد توجه بوده‌اند. فقط در برخی نوشته‌های دینی و پزشکی به چنین افرادی اشاره شده است.

«بقراط»حکیم یونانی به ضایعات مغزی این افراد و ارتباط این نقیصه‌ها با کمبودهای هوشی اشاره می‌کند.

در قوانین «اسپارت» موادی گنجانده شده بود که کشتن و از بین بردن معلولین از جمه عقب ماندگان ذهنی را مجاز و حتی لازم تشخیص داده بودند.

در «آسیا» بر خلاف «اروپا» این افراد بیشتر مورد توجه و لطف بوده‌اند. درآیین «کنفوسیوس» معلم چینی و همینطور در دین پیامبر ایرانی «زرتشت» به روشنی خواسته شده است که مردم با عقب ماندگان ذهنی، رفتاری انسانی داشته باشند. و نیز در دین «یهود» مسئولیت جرم و جنایت از عقب مانده‌های ذهنی برداشته شده است. در دین مبین «اسلام» نیز طی اشارات مکرر در کتاب